

اسلام با تشریح این قانون

حقوق مسلم زنان را نیز حفظ کرده است

در شماره گذشته اجالی از اصل تشریح قانون تعدد همسر را براسلام از نظر خوانندگان گذرانیدیم و ضمن آن ادعا کردیم که این قانون يك قانون عادلانه بوده عفتها بضرر زنان نمی باشد بلکه در اصل تشریح آن بیشتر ، تأمین حقوق حق زن مورد نظر اسلام بوده است و اینک باید بتوضیح این مسأله بپردازیم که از کجا و بچه نحوی اسلام حقوق مشروع زنان را در تشریح این قانون از نظر دور نداشته است ؟

در پاسخ این سؤال ما ذهن خوانندگان را بدو نکته اساسی زیر معطوف می داریم :
۱- اسلام با تشریح این قانون می خواهد نظام غیر عادلانه زنان جاهلیت را درباره تعدد همسر و عدم اعتناء بحقوق حق زن را که سد درسد بشری زنان بونهنرا میان برنارد زیرا مطالعه روابط خانوادگی و احتیاجی عربستان در دوران جاهلیت این حقیقت را بوضوح ثابت می کند که حقوق زنان در این دوران آشکارا تضییع شده بود و ارزش و حقوق انسانی چندانی ، نداشتند بطوریکه هر مردی برای خود این حق را قائل بود که زنان متعدد و بی حساب در اختیار داشته بدون اینکه عدالت را در روابط زناشویی و در مسأله مسکن ، هزینه های زندگی و سایر جهات ، مراعات کنند و خلاصه زنان را بسزله برده خود قرار داده ، هر نوع ظلم و ستم نسبت با آنان را جایز می دانستند .
اسلام با تشریح این قانون برای دفاع از حقوق زنان قیام کرده و تعدد همسر را بحدود شرط اساسی مباح دانست ؛ یکی مراعات عدالت در روابط زناشویی و محل سکونت و خوراک و پوشاک و سایر احتیاجات زندگی و دیگری حد معینی برای انتخاب همسر قائل شد و از هر ج و مرج و آزادی مطلق و بی بند و بار در آن جدا جلوگیری نمود . و از اینرو اسلام تعدد همسر را برای مردان مباح دانسته است نه واجب .

آری اگر اسلام تعدد همسر را برای مردان امری لازم و واجب آهم در هر مورد و در هر حال - قرار می دهد و مردها را بآن ملزم می نمود جاداشت که مورد اعتراض واقع شود که اسلام حقوق مسلم زنان را پایمال کرده است .

۲- آری ممکن است از ناحیه عدم مراعات شرائط اباحه این قانون

ضرر های اخلاقی و اجتماعی و مالی متوجه زنان شود و با کمال تأسف باید این حقیقت تلخ را پذیرفت و بان اعتراف کرد و لکن تذکر این نکته لازم است که این زنها و تشییع حقوق ها از ناحیه تشریح این قانون در اسلام پدید نیامده است بلکه از عمل نکردن باین قانون پیش آمده است زیرا اسلام هرگونه فشار و ناراحتی از لحاظ محل سکونت و خوراک و پوشاک و کمبود هزینه های زندگی و مسامحه در انجام وظائف جنسی ناشی از تشریح این قانون را ازین برده است .

و لذا اسلام هرگز این حق را ب مردان نداده است که بدون مراعات جهات و شرائط لازم برای عمل باین قانون ، با انتخاب همسران متعدد حقوق حق زن را زبریا گذارند آنان را محفل برده اسیر خود سازند و در نتیجه مشکلات خانوادگی و اجتماعی فراوانی ایجاد کنند .

الته اسلام قوانینی ندارد که بنوع خود مردها را مجبور می کند تا شرائط عادلانه تعدد همسر را رعایت کرده ، حقوق شرعی و عرفی زنان را محترم بشمارند . و با عمل باین قوانین می توان از وجود این مشکلات جلوگیری نمود .

آری اسلام چنانکه در شماره قبل گفتیم عدالت در هر مورد حتی در مورد علاقه قلبی نسبت به همسران را در اباحه تعدد همسر معتبر ندانسته است زیرا این امر خارج از اختیار مردها بوده تابع خصوصیات اخلاقی و مزایای جسمی و روحی همسران می باشد . و لکن مطلب واضح است که دنیا خلاقه قلبی بدون اینکه اثر عملی بر آن بگذرد ، برای انسان در درجه اول اهمیت قرار ندارد این است که در فشار و ناراحتی از لحاظ محل زندگی و لباس و خوراک و سایر مخارج لازم زندگی قرار نگرفته و در روابط زناشویی که يك اصل همی در زندگی زناشویی است عدالت کامل میان آنها مراعات گردد و اسلام با جعل این قانون این حقوق را برای زنان بنحو کامل ، تأمین نموده است .
بنگنه می توان ادعا کرد که مردانی که همسران متعدد اختیار می کنند خواه ناخواه رحمت و ناراحتی افتاب ، مسؤولیت های بسیار سختی را بعهده می گیرند زیرا ناچار هستند نسبت کار کنند ، بیشتر زحمت بکنند و درآمد زیادتری نسبت آورند تا بوفد تکالیف شرعی و عرفی و قانونی خود را انجام دهند و اگر مرد از انجام این تکالیف و مسؤولیت های سنگین بود ، شانه خالی کند و از پرداخت نفقه مناسب با شان زن خودداری کند و در روابط زناشویی عدالت را مراعات نکند جدا مورد تعقیب قانونی قرار گرفته ، شرعاً مورد بازخواست واقع می گردد . در خاتمه گفتار بهتر است اقرار و اعتراف صریح و منصفانه یکر از یابوان دانشمندا که تذکر بر حقوق نیز می باشد در این خصوص از نظر خوانندگان بگذرانیم :

... هیچ زنی اعم از زن اول و زن دوم و ... از اجراء حکم تعدد همسر ضرر نمی کند بلکه مسلم است که در مقررات مربوط تعدد همسر ، فقط مردان هستند که

متضرر می‌شوند زیرا بارشان سنگین و تکالیفشان زیاد می‌گردد چه مردی که زنی را بقدر ازدواج خود در آورد قانوناً و اخلاقاً و شرعاً و عرفاً در مقابل آن مسؤول و موظف است و باید وسائل زندگی او را تا آخر عمر متناسب باشان و شخصیت خانوادگی زن تهیه کند و سلامت او را در موقع پیش‌آمد کسالت و مرض تأمین نماید یعنی در مقام معالجه او برآید و در مقابل خطرات از او دفاع و حمایت کند .. و اگر قصور کند قوانین و عرف او را مجازات و بانجام تکالیفش محصور می‌نماید . علاوه بر این در مقابل شرع و خدا هم مسؤول و مورد بازخواست قرار می‌گیرد . عقیده نگارنده تمام اعتراضات و ایرادها که از زبان زنان (در مورد تعدد همسر) نداسته بیان می‌شود عیناً از حقوق مردان برخاسته و فکر مردان است که بزنان القاء شده و زنان خطوطی وار آن را بیان می‌کنند زیرا مردان با القائات مختلف و ایجاد شبهه مانع ازدواج می‌شوند و امکان تسهیل ارتباط خارج از رابطه قانونی را بوجود می‌آورند از اینرو مرد اگر دو زن داشته باشد از نظر ارتباط حسی برای زن ضرر ندارد و از نظر روحی و ناراحتی معنوی که زن فکر می‌کند شوهرش زن دیگری دارد روحاً ناراحت می‌شود .

البتة این مطلب يك امر واقعی نیست ولیکن مردان آنرا زین القاء کرده‌اند و نمیتوان منکر القاء شد چه در سابق تعدد همسر زیاد وجود داشته و اکنون هم وجود دارد که دو زن و حتی سه زن در يك خانه با هم زندگی می‌کردند و می‌کنند طبق مقررات شرعی ، و هیچ کدام ناراحت و ناراضی نبودند ولی اکنون پس اثر القاء مردان ، تصور آن هم ناراحت کننده است در صورتی که اگر این ناراحتی طبیعی و واقعی بود باید تعدد همسر در قدیم هم قابل عمل بوده باشد ... (۱)

۱ - ازدواج در اسلام (ص ۱۵۰ - ۱۵۲ - ۱۵۳) .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سالنامه علوم انسانی
گوشش روشنفکران راستین

سعی و گوشش روشنفکران راستین بمنظور پیوند شرق و غرب و وارد ساختن خرد و دانش شرق در نظام فکری و نبوغ و مصنوعات ممالکی غرب ، شایان تأدیر فراوان است .
هنو می‌گویند : « وقتیکه سیر آفاق به انتها رسیده و محیط تکنواخت و بی معنا گردید ، شرقیها اسان را متوجه سیر درون کرده‌اند » .